

«زن و مطالعات خانواده»

سال پانزدهم - شماره پنجاه و پنج - بهار ۱۴۰۱

ص ص: ۸۵-۹۷

رابطه ویژگی‌های شخصیت و سبک‌های دلبستگی با الگوهای بالینی شخصیت خوشه C در مردان همسرآزار

سمیه پیری^۱

جواد صاحبی کوزه کنان^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۷

چکیده

هدف پژوهش حاضر تعیین رابطه بین ویژگی‌های شخصیت و سبک‌های دلبستگی با الگوهای بالینی شخصیت خوشه C در مردان همسرآزار شهر تبریز بود. طرح پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی است و از نظر هدف بنیادی، از نظر روش جمع‌آوری داده‌ها، پس رویدادی است. در این راستا، تعداد ۱۰۰ نفر از مردان همسرآزار شهر تبریز که به صورت روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شده بودند به پرسش‌نامه‌های NEO-FFI، میلیون-III و پرسش‌نامه سبک‌های دلبستگی هازن و شیور به صورت داوطلبانه پاسخ دادند. داده‌ها به کمک نرم‌افزار spss17 و با استفاده از روش همبستگی پیرسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌های تحقیق نشان دادند که بین صفات بزرگ شخصیت روان‌آزردگی، موافق بودن و برون‌گرا بودن با هر سه الگوی بالینی خوشه C و بین صفت باوجدان بودن با الگوهای بالینی اجتنابی و وسواسی رابطه معنی‌دار وجود دارد و بین صفت گشودگی فقط با الگوی بالینی وسواسی رابطه معنی‌دار وجود دارد، هم‌چنین تحلیل داده‌ها نشان دادند که بین سبک دلبستگی نایمن اجتنابی و الگوهای بالینی شخصیت اجتنابی و وسواسی و بین سبک دلبستگی نایمن دوسوگرا و الگوی بالینی شخصیت اجتنابی رابطه معنی‌دار وجود دارد.

واژگان کلیدی: الگوهای بالینی شخصیت خوشه C، سبک‌های دلبستگی، ویژگی‌های شخصیت،

همسرآزاری

^۱ دکترای روانشناسی، گروه روانشناسی تربیتی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

^۲ دکترای روانشناسی، گروه روانشناسی تربیتی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

همسرآزاری از آسیب‌های اجتماعی پنهان است که معمولاً در محیط بسته خانه شکل گرفته و سبب عدم اطمینان و ازهم‌گسیختگی کانون خانواده می‌شود. قربانیان اصلی خشونت در محیط خانواده، در مرحله نخست، زنان و پس از آن کودکان و سالمندان و سرانجام مردان هستند. خشونت فیزیکی و بدنی، مانند صدمه زدن به اشیای منزل و ضرب و شتم همسر، یا خشونت روانی و کلامی مانند تحقیر، بهانه‌جویی نسبت به چهره و شرایط جسمانی زن و ابراز تنفر نسبت به بستگان وی و همچنین خشونت اجتماعی شامل منع اشتغال و تحصیل، ممنوعیت ارتباط با بستگان حتی به صورت تلفنی خشونت اقتصادی مانند نپرداختن خرجی و در نهایت صدمات و آزارهای جنسی از طریق تحمیل نسبت به همسر و در معرض فحشا و فساد قرار دادن وی به خاطر اعتیاد و غیره، مهم‌ترین و شایع‌ترین انواع همسرآزاری مردان نسبت به زنان است.

شیوع خشونت خانگی علیه زنان در بررسی‌های انجام شده در کشورها و فرهنگ‌های مختلف، نشانگر فراگیر بودن آن است. در گزارش‌هایی از آمریکا، کانادا، کشورهای آمریکای شمالی، اروپایی و آسیای جنوب شرقی میزان خشونت فیزیکی ۴۶-۱۴ درصد گزارش شده است (سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۱۳). اگرچه در آمارهای رسمی ایران، به آمار خشونت علیه زنان اشاره‌ای نشده است، پژوهش‌ها نشانگر دامنه گسترده‌ای از خشونت علیه زنان است و نرخ همسرآزاری در ایران ۸۰/۰ تا ۳۰/۰ گزارش شده است (پناغی، پیروزی، شیرین بیان و احمدآبادی، ۱۳۹۰). همچنین میزان خشونت خانگی در شهرهای مختلف ایران نیز ۴۲/۴-۱۴/۶ درصد گزارش شده است (به نقل از محمودی و سلیمانی، ۱۳۹۶).

از آنجایی که خشونت در محدوده علوم مختلف می‌گنجد و بسیاری از افراد در باب تبیین نظری آن کار کرده‌اند، دیدگاه‌های نظری مختلفی در این باب به وجود آمده است که در چند سطح به آن توجه نشان می‌دهند؛ در سطح فردی (یعنی دخیل دانستن عوامل فردی مانند اختلالات شخصیتی، مصرف مواد مخدر یا الکل چه در عامل خشونت چه در قربانی)، در سطح خانوادگی (مانند وجود تعداد فرزندان، تعارضات میان زن و شوهر در اثر دخالت دیگران)، در سطح اجتماعی (مانند وجود تنش در زندگی، بیکاری و...)؛ در سطح ساختار جامعه (مانند نابرابری قدرت و مردسالاری) و یا ترکیبی از برخی و یا همه اینها (به نقل از باقری، ۱۳۹۸). تبیین سطح فردی معمولاً رفتار خشن را نتیجه بیماری یا نابهنجاری روانی افراد (مردان) در نظر می‌گیرد. درصد قابل توجهی از مردان همسرآزار از لحاظ روانی بیمار و یا دارای اختلالات شخصیتی هستند (معینیان، ۱۳۹۱).

بنابراین اصطلاح "شخصیت" بیشتر از سایر مفاهیم روانشناسان را به خود معطوف داشته است. شخصیت، اساسی‌ترین موضوع روانشناسی است، زیرا محور اساسی بحث در زمینه‌هایی مانند یادگیری، انگیزه، ادراک، تفکر، عواطف و احساسات، هوش، سلامت روان، اضطراب، افسردگی و مواردی از این قبیل است (شاملو، ۱۳۹۵).

در روانشناسی امروز دیدگاه‌های متفاوتی از شخصیت وجود دارد از جمله نظریه پنج عاملی شخصیت که به پنج عامل بزرگ نیز معروف است، از سوی کاستا و مک کری در اواخر دهه ۸۰ میلادی ارائه شد و در اوایل دهه ۹۰ مورد ارزیابی مجدد قرار گرفت. زیربنای این نظریه در درجه اول کارهای آیزنک بود. پنج عامل اصلی یا بزرگ عبارتند از نوروتیسم (N)، برونگرایی (E)، توافق پذیری (A)، گشودگی در برابر تجربه (O) و باوجدان بودن (C). وقتی صفات شخصیتی انعطاف‌ناپذیر و غیرانطباقی شوند، ایجاد اختلالات کارکردی و ناراحتی ذهنی می‌کنند و در اینجا ممکن است تشخیص اختلال شخصیت مطرح شود (ستوده و همکاران، ۱۳۸۱).

احمدآبادی و همکاران (۱۳۹۰) به بررسی رابطه بین پنج عامل شخصیت و گرایش به خشونت و نیز شناسایی نقش پایگاه‌های هویت به عنوان متغیری با اثر میانجی‌گر پرداختند. نتایج نشان داد روان رنجورخویی رابطه‌ای مثبت و باز بودن، موافقت پذیری و وجدانی بودن، رابطه‌ای منفی با گرایش به خشونت دارد. بین برون‌گرایی و خشونت نیز رابطه معناداری یافت نشد. لواس و همکارانش^۱ (۲۰۱۱) در یک بررسی نشان دادند که در افراد دارای اختلال شخصیت احتمال اعمال خشونت افزایش یافته و عاملی پیش‌بین در مورد آن است. داشتن اختلال شخصیت وابسته، احتمال اعمال خشونت را در گروه مرتکب خشونت علیه شریک جنسی یا همسر از ۳/۲ به ۴/۶ افزایش می‌دهد.

یکی دیگر از عوامل مهمی که در سال‌های اخیر در زمینه خشونت مورد بررسی قرار گرفته و احتمالاً در همسرآزاری تأثیر دارد نوع رابطه عاطفی فرد با والدین خود در دوران کودکی که سبک‌های دلبستگی نامیده می‌شود است. فوگل اظهار می‌دارد که دلبستگی، پیوند هیجانی پایدار بین دو فرد است به طوری که یکی از طرفین کوشش می‌کند نزدیکی یا مجاورت با موضوع دلبستگی را حفظ کرده و به گونه‌ای عمل کند تا مطمئن شود که ارتباط ادامه می‌یابد.

در سال ۱۹۷۰ درمانگری به نام جان بالبی بیان کرد که پیشرفت‌های اجتماعی و احساسی و شناختی بر اساس مجموعه‌ای از ارتباطات با افراد خاص رخ می‌دهد. بالبی معتقد بود که کیفیت تعاملات تکراری فرد با مراقبان اولیه مدل‌های فعال درونی و یا مدل‌های ذهنی را شکل می‌دهد. فرض اساسی نظریه دلبستگی در مورد مدل‌های فعال درونی که در دوران کودکی شکل می‌گیرند، این است که بسیار پایدار و باثبات بوده و به روابط نوجوانی و جوانی کشیده می‌شوند و به گونه‌ای که تجارب، ادراک‌ها و رفتارهای فرد را به شدت جهت داده و هدایت می‌کنند (مارچ اند، ۲۰۰۴). افراد مختلفی که سبک دلبستگی متفاوتی دارند تجارب مختلفی در روابط عاشقانه تجربه می‌کنند (هازن و شیور، ۱۹۸۷).

1 Loas, Gwénoélé., Cormier, Julie., Perez-Diaz, Fernando

2 Marchand

اینثورت سه گروه دلبستگی را بین کودکان مشخص کرد: گروه A (اجتنابی)، گروه B (ایمن)، گروه C (دوسوگرا). در بزرگسالی نیز سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا مشخص شده است. نظریه دلبستگی به عنوان راهی که چندین عامل روانی را برای خشونت ادغام می‌کند، شناسایی شده است و توضیح مفیدی را برای خشونت زناشویی ارائه می‌دهد (دوماس پیرسون^۱، ۲۰۰۵).

برخی از پژوهشگران نیز بر این باورند که بسیاری از مشکلات زوج‌ها ریشه در سبک‌های دلبستگی آن‌ها دارند، به طوری که کویاک (۱۹۹۴) و نظریه‌پردازان زوج‌درمانی هیجان‌مدار، آشفتگی زناشویی را نشانه‌ای از سبک دلبستگی نایمن می‌دانند (به نقل از خسروی، ۱۳۹۰).

زوج‌ها با سبک‌های دلبستگی متفاوت دارای ویژگی‌ها و نیازهای گوناگون در روابط با یکدیگر هستند. به طور مثال افراد با سطوح بالای دلبستگی اجتنابی، اهمیت روابط صمیمی و نیاز به نزدیکی را انکار نموده و در روابطشان به دنبال حمایت از همسرشان نمی‌باشند (کولینز و فینی^۲، ۲۰۰۴). از سوی دیگر افرادی که سطوح بالای دلبستگی اضطرابی دارند، نگران ترک شدن توسط شریک زندگی‌شان بوده و وابستگی بیش از حدی به همسر خود دارند (همان). چنین تفاوتی بین زوج‌ها در نیاز آن‌ها به نزدیکی یا دوری در روابط با یکدیگر (تفاوت در سبک‌های دلبستگی) می‌تواند زمینه‌ساز خشونت زناشویی باشد. در پژوهشی بر روی ۱۴۹ زوج گزارش نمودند که تفاوت بین سبک‌های دلبستگی زنان و مردان عاملی برای به وجود آمدن خشونت از سوی مردان است (به نقل از دوماس، پیرسون، الگین و مک کنلی^۳، ۲۰۰۸). داتون وایت^۴ (۲۰۱۲) بیان کردند بزرگترین عامل روان‌شناختی پیش‌بینی کننده خشونت علیه همسر، دلبستگی نایمن است. پاسخ‌های مزمن به دلبستگی نایمن، در بزرگسالی نمود پیدا می‌کنند و سبک دلبستگی ناامید شده و صفات مرتبط با شناخت‌ها و رفتارها را در روابط صمیمانه شامل می‌شوند.

پیشگیری از خشونت خانگی برای تداوم و سلامت خانواده امری مهم و ضروری است. یکی از راه‌های پیشگیری شناسایی عوامل مؤثر بر بروز همسرآزاری است که در این پژوهش بر روی ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌های دلبستگی شوهر همسرآزار تمرکز شده است بدین دلیل که سبک‌های دلبستگی از جمله عواملی است که در روابط زوج‌ها تأثیر می‌گذارد و مشکلات شخصیتی نیز جز لاینفک اشخاص آسیب‌رسان است با وجود این حتی پس از گسترش تحقیقات در این زمینه و جلب شدن نظر محققان به حوزه خشونت خانگی هنوز پژوهشی برای تشخیص ویژگی‌های شخصیتی و انواع سبک‌های دلبستگی با الگوهای بالینی شخصیت صورت نگرفته است از طرفی به دلیل کم بودن همکاری مردان همسرآزار در تکمیل پرسشنامه‌ها و یا اعتراف به همسرآزاری و

1 Dumas and Pearson

2 Collins, N. L., & Feeney,

3 Dumas, D. M., Pearson, C. L., Elgin, J. E., & McKinley

4 Dutton, D. G., & White,

محدودیت در جمع‌آوری داده‌ها اکثر تحقیقات مربوط به زنان قربانی خشونت بوده و جای خالی پژوهش با نمونه‌ای از جمعیت مردان همسرآزار به‌وضوح احساس می‌شود. بنابراین با توجه به این موارد هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های دلبستگی با الگوهای بالینی شخصیت در مردان همسرآزار است.

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- بین صفات بزرگ شخصیتی و الگوی بالینی اجتنابی در مردان همسرآزار رابطه وجود دارد.
- ۲- بین صفات بزرگ شخصیتی و الگوی بالینی وابسته در مردان همسرآزار رابطه وجود دارد.
- ۳- بین ویژگی‌های شخصیتی و الگوی بالینی وسواسی در مردان همسرآزار رابطه وجود دارد.
- ۴- بین سبک‌های دلبستگی و الگوی بالینی اجتنابی در مردان همسرآزار رابطه وجود دارد.
- ۵- بین سبک‌های دلبستگی و الگوی بالینی وابسته در مردان همسرآزار رابطه وجود دارد.
- ۶- بین سبک‌های دلبستگی و الگوی بالینی وسواسی در مردان همسرآزار رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی

طرح پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی است، از نظر هدف بنیادی و از نظر روش جمع‌آوری داده‌ها، پس‌رویدادی است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل همسران زنان مورد آزار قرار گرفته است که به دلیل تنظیم شکوائیه در مراجع قضائی، جهت معاینه به مرکز پزشکی قانونی استان آذربایجان شرقی شهر تبریز در سال ۹۰-۹۱ ارجاع داده شده بودند. در راستای اهداف پژوهش، از جامعه مورد مطالعه با روش نمونه‌گیری در دسترس ۱۰۰ نفر از همسران زنان مورد آزار با دامنه سنی ۲۰ تا ۵۰ سال، به عنوان نمونه انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. جهت بررسی فرضیه‌های پژوهش آمار توصیفی و روش همبستگی پیرسون استفاده شده است.

ابزار اندازه‌گیری

پرسشنامه شخصیتی نئو فرم کوتاه (NEO-FFI): در این پژوهش برای بررسی ویژگی‌های شخصیتی از فرم کوتاه پرسشنامه پنج عاملی شخصیت که یک پرسشنامه ۶۰ سؤالی است استفاده گردید؛ و پنج عامل شخصیت (روان‌آزرده‌گرایی، برون‌گرایی، انعطاف‌پذیری، دلبذیربودن و باوجدان بودن) ارزیابی شد که بر اساس مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم را در بر می‌گرفت. ضریب آلفای گزارش شده توسط کاستا و مک کری بین ۰/۷۴ تا ۰/۸۹ با میانگین ۰/۸۱ متغیر بوده است. در تحقیق بلانچارد و همکاران در سال ۱۹۹۹ این ضریب در روان‌آزرده‌گرایی ۰/۸۵، انعطاف‌پذیری ۰/۶۸، دلبذیربودن ۰/۶۹ و با وجدان بودن ۰/۷۹ به‌دست آمده است. برآورد کاستا و مک کری از روایی سازه این ابزار در سال ۱۹۹۹، ۰/۸۴ بوده است (ملازاده، ۲۰۰۲).

ضرایب پایایی با روش بازآزمایی برای ۲۰۸ نفر با سه ماه فاصله زمانی به ترتیب ۰/۸۳، روان‌آزرده‌گرایی، ۰/۷۵، برون‌گرایی، ۰/۸۰، دلپذیر بودن و ۰/۷۹ با وجدان‌بودن به دست آمده است (گروسی فرشی، ۱۹۹۸).

مقیاس دل‌بستگی هازن و شیور: به‌منظور بررسی سبک‌های دل‌بستگی از مقیاس خودگزارش دهی هازن و شیور استفاده می‌شود و شامل ۲ بخش است با توجه به توصیف‌هایی که بایستی در این بخش‌ها مورد قضاوت آزمودنی قرار گیرد، سه نمره به دست می‌آید که اولین نمره توصیف میزان دل‌بستگی ایمن، دومین توصیف، سبک دل‌بستگی اجتنابی و سومین توصیف، سبک دل‌بستگی اجتنابی را نشان می‌دهد. هازن و شاور بازآزمایی کل پرسشنامه را ۰/۸۷ و پایایی با آلفای کرونباخ را ۰/۷۸ به دست آوردند.

در پژوهشی قابلیت اعتماد آزمون هازن و شیور را بر روی آزمودنی‌های ایرانی مورد بررسی قرار داده‌اند در این پژوهش همبستگی بین آزمون و آزمون مجدد بعد از یک ماه برای دل‌بستگی ایمن ۳۶٪ و برای دل‌بستگی اجتنابی ۵۶٪ و در مورد دل‌بستگی اضطرابی - دوسوگرا ۷۲٪ به دست آمده است (پاکدامن، ۱۳۸۰).

پرسشنامه بالینی چندمحوری میلون (III): این پرسشنامه توسط تئودور میلون در سال ۱۹۸۱ طراحی و فرم تجدیدنظر شده آن در سال ۱۹۸۷ منتشر شد. برای بزرگسالان ۱۸ سال به بالا استفاده می‌شود و شامل ۲۴ مقیاس است که در ۴ گروه الف) الگوهای بالینی شخصیت، ب) الگوهای بالینی شدید شخصیت، ج) نشانگان بالینی و د) نشانگان بالینی شدید دسته‌بندی شده‌اند. این آزمون دارای ۱۷۵ گویه بلی / خیر است. در مورد پایایی مقیاس‌های آزمون میلون، پنج مجموعه داده وجود دارد که فاصله بازآزمایی در این مطالعات از ۵ روز تا ۶ ماه است. برای مقیاس‌های اختلال شخصیت همبستگی‌هایی از ۰/۵۸ تا ۰/۹۳ و برای مقیاس افسردگی متوسط ۰/۷۸ به دست آمده است. در مورد مقیاس‌های نشانگان بالینی همبستگی‌هایی از ۰/۴۴ تا ۰/۹۵ و برای مقیاس افسردگی اساسی میانگین ۰/۸۰ به دست آمده است (گریک واولسون به نقل از خواجه موگهی، ۱۳۷۲).

در ایران چند مطالعه در مورد MCMII انجام شده است که یکی از آن‌ها توسط خواجه موگهی (۱۳۷۲) به منظور هنجاریابی MCMII-II در شهر تهران صورت گرفته است. در مطالعات وی ضریب پایایی مقیاس‌های MCMII-II به روش بازآزمایی با فاصله ۱۰-۷ روز از دامنه ۰/۷۸ (نمایشی) تا ۰/۸۷ (اختلال هذیانی) به دست آمده است.

شیوه اجرای پژوهش به این صورت بود که ابتدا فرم رضایت‌نامه شرکت در پژوهش به آزمودنی‌ها داده شد و آن‌ها از محرمانه بودن نتایج اطمینان حاصل نمودند. سپس سایر پرسشنامه‌ها به‌طور همزمان ارائه شد و توضیحات لازم در خصوص نحوه پر کردن آن‌ها داده شد.

یافته‌ها

در پژوهش حاضر، ویژگی‌های شخصیتی و انواع سبک‌های دلبستگی به عنوان متغیرهای پیش‌بین و الگوهای بالینی شخصیت خوشه C به عنوان متغیر ملاک می‌باشند. در جدول شماره ۱ برخی ویژگی‌های توصیفی این متغیرها مثل میانگین و انحراف استاندارد به شکل نمره کلی گزارش شده است.

جدول ۱: میانگین و انحراف استاندارد متغیرها

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد
الگوی بالینی اجتنابی	۴۶/۵۴	۱۸/۴۸
الگوی بالینی وابسته	۳۶/۶۳	۱۹/۹۸
الگوی بالینی وسواسی	۵۳/۱۸	۲۰/۴۴
سبک دلبستگی ایمن	۴/۱۴	۱/۷۷
سبک دلبستگی دو سو گرا	۴/۱۹	۱/۹۲
سبک دلبستگی اجتنابی	۴/۱۴	۱/۹۱
گشودگی	۲۳/۰۳	۴/۱۶
روان آزرده‌گی	۲۵/۳۹	۶/۶۳
باوجدان بودن	۱۷/۸۶	۶/۶۹
موافق بودن	۲۰/۱۹	۵/۳۴
برون‌گرایی	۲۲/۵۲	۴/۸۷

نتایج حاصل از بررسی رابطه صفات بزرگ شخصیت و سبک‌های دلبستگی با الگوهای بالینی شخصیت خوشه C در مردان همسرآزار در جداول ۲ و ۳ آورده شده است.

جدول ۲. رابطه صفات شخصیت با الگوهای بالینی خوشه C در مردان همسرآزار

متغیر	الگوی بالینی اجتنابی		الگوی بالینی وابسته		الگوی بالینی وسواسی	
	همبستگی	معنی‌داری	همبستگی	معنی‌داری	همبستگی	معنی‌داری
گشودگی	۰/۰۶۴	۰/۱۸	۰/۰۵	۰/۲۴	-۰/۱۳	۰/۰۳
روان آزرده‌گی	-۰/۳۶	۰/۰۰۰	-۰/۳۷	۰/۰۰۰	۰/۲۳	۰/۰۰۰
باوجدان بودن	۰/۸۲	۰/۰۳۵	۰/۰۹	۰/۱۰	-۰/۳۶	۰/۰۰۰
موافق بودن	۰/۲۹	۰/۰۰۰	۰/۱۶	۰/۰۱۰	-۰/۲۷	۰/۰۰۰
برون‌گرا بودن	۰/۲۲	۰/۰۰۱	۰/۲۳	۰/۰۰۰	۰/۱۵	۰/۰۱۵

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، صفت گشودگی با الگوی بالینی وسواسی، صفات روان آزرده‌گی، موافق بودن و برون‌گرا بودن با هر سه الگوی بالینی شخصیت خوشه C و صفت باوجدان بودن با الگوهای بالینی اجتنابی و وسواسی رابطه معنی‌داری دارند.

نتایج تحلیل رابطه سبک‌های دلبستگی با الگوهای بالینی شخصیت خوشه C در مردان همسر آزار در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳. رابطه سبک‌های دلبستگی با الگوهای بالینی خوشه C در مردان همسر آزار

متغیر	الگوی بالینی اجتنابی		الگوی بالینی وابسته		الگوی بالینی وسواسی	
	همبستگی	معنی داری	همبستگی	معنی داری	همبستگی	معنی داری
سبک دلبستگی ایمن	۰/۰۳	۰/۳۳	-۰/۱۰	۰/۱۷	۰/۱۳	۰/۲۸
سبک دلبستگی نایمن اجتنابی	۰/۱۴	۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۳۷	۰/۱۳	۰/۰۳
سبک دلبستگی نایمن دوسوگرا	-۰/۱۰	۰/۰۷	۰/۰۶	۰/۱۷	-۰/۲۶	۰/۳۵

همان طوری که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، سبک دلبستگی نایمن اجتنابی با الگوهای بالینی شخصیت اجتنابی و وسواسی رابطه معنی‌دار دارد و سبک دلبستگی نایمن دوسوگرا با الگوی بالینی اجتنابی رابطه معنی‌دار دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیت و سبک‌های دلبستگی با الگوهای بالینی شخصیت خوشه C در مردان همسر آزار شهر تبریز صورت گرفت. یافته‌های پژوهش نشان داد که ویژگی شخصیتی گشودگی با الگوهای بالینی شخصیت وسواسی رابطه معنی‌دار منفی دارد. یافته‌های این پژوهش با یافته‌های پژوهش فتحی آشتیانی (۱۳۸۸) که افراد با گشودگی پایین عواطفی یکنواخت و سطحی داشته و بر این باورند که موقعیت‌های هیجانی و حالت‌های احساسی در زندگی اهمیت چندانی ندارند، همچنین گشودگی پایین نسبت به ارزش‌ها منجر به آمادگی کم برای بازبینی ارزش‌های مذهبی، اجتماعی و... می‌شود هم سو است.

همچنین یافته‌های پژوهش نشان دادند که ویژگی شخصیتی روان‌آزردگی با الگوهای بالینی شخصیت اجتنابی و وابسته رابطه معنی‌دار منفی و با الگوی بالینی وسواسی رابطه معنی‌دار مثبت دارد. این یافته با یافته‌های مایک، کینگ، اولتمانس و جکسون (۲۰۱۸) همسو است که مطرح می‌کند اختلال شخصیت وسواسی جبری با روان‌آزردگی رابطه مثبت معنی‌دار دارد. از طرفی ویژگی شخصیتی باوجدان بودن با الگوی بالینی شخصیت اجتنابی رابطه معنی‌دار مثبت و با الگوی بالینی وسواسی رابطه معنی‌دار منفی دارد و ویژگی شخصیتی موافق بودن با تمام الگوهای بالینی شخصیت خوشه C رابطه معنی‌دار دارد.

ویژگی شخصیتی موافق بودن با الگوی بالینی وسواسی رابطه معنی‌دار منفی دارد، این نتایج همسو با تحقیق فتنی آشتیانی (۱۳۸۸) که نشان داد کسانی که در ویژگی شخصیتی با موافق بودن نمره پایین می‌گیرند افرادی ناموافق یا مخالف و خودمحمور بوده و به قصد و نیت دیگران مظنون‌اند و بیشتر اهل رقابت‌اند تا همکاری و به طبع آن احتمالاً همین افراد در خصوصیات الگوی بالینی وسواسی از قبیل رفتار کمال‌گرایانه، بی‌حوصلگی، رفتار مطیع‌مابانه، سرکوب عواطف، خشکی و تعصب را از خود نشان می‌دهند که زمینه را برای عدم کنترل تکانه زمان بروز مشکل با همسر فراهم می‌کند همسو است. همچنین مایک، کینگ، اولتمانس و جکسون (۲۰۱۸) در پژوهش خود که بر روی ۱۶۳۰ نفر انجام داد نشان داد که بین الگوی بالینی وسواسی و موافق بودن رابطه معنی‌دار منفی بزرگی وجود دارد. تصور می‌شود که الگوی بالینی وسواسی بودن ویژگی‌هایی مثل کمال‌گرایی، مشکل در ابراز صمیمیت یا محبت به دیگران دارند (ساموئل، ریدل، میلر و ویدیر^۱، ۲۰۱۲). افراد دارای الگوی بالینی شخصیت وسواسی سازگاری درونی کمتری پایینی دارند (گریلو^۲، ۲۰۰۱). اختلال شخصیت وسواسی با اشتغال با جزئیات مشخص می‌شود. سطوح بالای نظم و سازماندهی، کمال‌گرایی، اعتیاد به کار، سخت‌گیری و بی‌میلی نسبت به محول کردن مسؤلیت‌ها مشهود است (DSM5^۳).

همچنین یافته‌های پژوهشی نشان داد که ویژگی شخصیتی برون‌گرا بودن نیز با تمام الگوهای بالینی شخصیت خوشه C رابطه معنی‌دار دارد، که همسو با یافته‌های پژوهش کاپلان و سادوک (۱۳۸۳) که بیان می‌کنند، در یک نتیجه‌گیری کلی از پژوهش‌های انجام گرفته در زمینه رابطه اختلالات شخصیت با همسرآزاری علیه زنان، مشاهده می‌شود که بیشتر پژوهش‌ها به رابطه اختلالات شخصیت طبقه B (ضداجتماعی، مرزی، هیستریونیک و خودشیفته) با همسرآزاری علیه زنان اشاره کرده‌اند، افراد مبتلا به این اختلالات، غالباً "افراد هیجانی، بازیگر و بی‌ثبات به نظر می‌رسند اگرچه برخی از پژوهش‌های دیگر، نقش برخی از اختلالات طبقه A، و C (دارای خصوصیات مضطرب و بیمناک) را نیز گزارش کرده‌اند.

یافته‌های تحقیق حاضر حاکی از آن است که از بین انواع سبک‌های دلبستگی، سبک دلبستگی اجتنابی رابطه معنی‌دار مثبتی با الگوهای بالینی اجتنابی و وسواسی دارد که همسو با یافته‌های پژوهش، باند و باند (۲۰۰۴) بر روی ۴۱ زوج که به علت خشونت همسران (خشونت علیه زنان) به کلینیک‌های مشاوره و روان‌درمانی مراجعه کرده بودند انجام شد، میزان همسرآزاری با سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا در مردان رابطه معنی‌دار داشت. همچنین همسو با مطالعات کسندر و مک کنری (۲۰۰۴) مبنی بر پیش‌بینی میزان همسرآزاری مردان نسبت به زنان بر اساس نظریه

1 Samuel, D. B., Riddell, A. D., Lynam, D. R., Miller, J. D., & Widiger

2 Grilo

3 Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders

دلبستگی بالبی که بر روی ۱۴۹ جفت زن و مرد صورت گرفت، نتایج نشان داد که سبک‌های دلبستگی پیش‌بینی کننده قوی خشونت مردان علیه همسرانشان بود و مردان همسرآزار به‌طور معنی‌داری دارای سبک‌های دلبستگی نایمن بودند.

با توجه به نتایج پژوهش حاضر و سایر پژوهش‌ها می‌توان به این نکته اشاره کرد که هم صفات شخصیتی و هم سبک‌های دلبستگی نایمن می‌توانند بر روی ناسازگارانه شدن الگوهای بالینی شخصیت خوشه C تأثیر گذاشته و سبب اختلال و بروز خشونت در روابط زناشویی افراد گردد. بنابراین می‌توان با استفاده از نتایج چنین پژوهش‌هایی از بروز مشکلات بیشتر پیشگیری نمود.

با توجه به نتایج پژوهش حاضر که مشخص شد صفت گشودگی با الگوی بالینی وسواسی، صفت روان‌آزردگی، موافق بودن و برون‌گرا بودن با هر سه الگوی بالینی شخصیت خوشه C و صفت باوجدان بودن با الگوهای بالینی اجتنابی و وسواسی رابطه معنی‌دار دارند و همچنین سبک دلبستگی نایمن اجتنابی با الگوهای بالینی شخصیت اجتنابی و وسواسی رابطه معنی‌دار دارد و رابطه معنی‌دار سبک دلبستگی نایمن دوسوگرا با الگوی بالینی اجتنابی، پیشنهاد می‌شود که در مورد نحوه شکل‌گیری سبک‌های دلبستگی و اهمیت آن در روابط آتی فرد، آموزش‌ها و اطلاعات لازم داده شود. همچنین پیشنهاد می‌شود با برگزاری کلاس‌های آموزشی و انجام تست‌های مربوط به سبک‌های دلبستگی و الگوهای بالینی و صفات شخصیتی افرادی که در شرف ازدواج هستند راهنمایی‌ها و آموزش‌های لازم را به عمل آورد تا اینکه افراد تصمیمات درستی در انتخاب زوج مناسبان به عمل بیاورند.

تضاد منافع

در این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

منابع

باقری، مهری. (۱۳۹۸). طراحی مدل ساختاری خشونت علیه زنان براساس دلسوزی نسبت به زندگی دیگران و صفات چهارگانه تاریک شخصیت همسران. پایان نامه کارشناسی ارشد. روانشناسی عمومی. دانشگاه پیام نور واحد بناب.

پاکدامن، شهلا (۱۳۸۰). بررسی ارتباط بین دلبستگی و جامعه طلبی در نوجوانی. پایان نامه دکترا. دانشگاه تهران.

پناغی، لیلی؛ پیروزی، دارا؛ شیرین بیان؛ احمدآبادی، زهره (۱۳۹۰). نقش ویژگی‌های شخصیتی و جمعیت شناختی در همسرآزاری. مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران. (۷) ۲، ۱۳۵-۱۲۶.

- خواجه موگهی، ناهید (۱۳۷۲). آماده سازی مقدماتی فرم فارسی پرسشنامه بالینی چند محوری میلون / ۲ در شهر تهران. رساله کارشناسی ارشد، (چاپ نشده)، انستیتو روانپزشکی تهران.
- ستوده، هدایت اله؛ میرزایی، بهشته و پازند، افسانه. (۱۳۸۱). *روان شناسی جنایی*. تهران: انتشارات آوای نور.
- شاملو، سعید. (۱۳۹۵). *مکتب‌ها و نظریه‌ها در روانشناسی شخصیت*، تهران. رشد.
- فتحی آشتیانی، علی. (۱۳۸۸). *آزمونهای روانشناختی ارزیابی شخصیت و سلامت روان*. تهران. بعثت.
- قرباغی، حسین. (۱۳۸۲). *بررسی رابطه بین صفات (عوامل) شخصیتی و رضایت شغلی کارکنان کارخانه تراکتور سازی ایران*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تبریز.
- کاپلان، هارولد؛ سادوک، بنیامین. (۱۳۸۳). *خلاصه روانپزشکی علوم رفتاری روانپزشکی بالینی*. ترجمه: نصرت ا... پورافکاری. تهران: انتشارات آزاده.
- کار، مهرانگیز. (۱۳۸۰). *پژوهشی درباره خشونت علیه زنان در ایران*. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- محمدمدی زاده، علی؛ احمدآبادی، زهره و ملکی، قیصر. (۱۳۹۰). *رابطه عوامل شخصیت با گرایش به خشونت: نقش میانجی گر پایگاه‌های هویت*. *روان شناسی کاربردی*, ۱۵ (پیاپی ۱۷), ۲۴-۳۴.
- محمودی، هیوا؛ سلیمانی، اسماعیل. (۱۳۹۶). *پیش بینی بهزیستی روانشناختی براساس همدلی و خود-دلسوزی در پرستاران، سال ششم، دوره ششم، شماره سوم و چهارم*, ۸۶-۷۹.
- معینیان، نرمینه. (۱۳۹۱). *تحلیلی بر خشونت علیه زنان در خانواده (با نگاهی به جامعه ترکیه)*، زن و مطالعات خانواده، سال پنجم، شماره ۱۷.
- American Psychiatric Association. (2013). *Diagnostic and statistical manual of mental disorders: DSM-5*. Washington, DC.
- Bond, S. B., & Bond, M. (2004). Attachment styles and violence within couples. *A Services of U. S. National Library of Medicine and the National Institutes of Health*, 192 (12), 857- 63.
- Collins, N. L., & Feeney, B. C. (2004). Working models of attachment shape perceptions of social support: evidence from experimental and observational studies. *Journal of personality and social psychology*, 87(3), 363.
- Doumas, D. M., Pearson, C. L., Elgin, J. E., & McKinley, L. L. (2008). Adult attachment as a risk factor for intimate partner violence: The “mispairing” of partners' attachment styles. *Journal of interpersonal violence*, 23(5), 616-634.

- Dutton, D. G., & White, K. R. (2012). Attachment insecurity and intimate partner violence. *Aggression and violent behavior, 17*(5), 475-481.
- Feeney, J. A. & Noller, P. (1990). Attachment style as a predictor of adults romantic relationship. *Journal of Personality and Social Psychology, 58*, 281- 291.
- Garousi Farshi, M. (1998). *The Standardization of NEO Personality Test and Analysis of Features and Its Factor Structure among Iran's University Students*. PhD. Thesis, University of Teacher Education.
- Grilo, C. M. (2004). Factor structure of DSM-IV criteria for obsessive compulsive personality disorder in patients with binge eating disorder. *Acta Psychiatrica Scandinavica, 109*, 64-69.
- Hazan, C. & Shaver, P. (1987). Attachment as an organizational framework for research on close relationship. *Journal of Psychological Inquiry, 5*, 7- 22. *Journal of Personality and Social Psychology, 74*, 211- 223.
- Kesner, J. & McKenry, P. C. (2004). The role of childhood attachment factors in predicting male violence toward female intimates. *Journal of Family Violence, 4*, 417-432.
- Klohn, E. C., & Bera, S. (1998). Behavioral and experiential patterns of avoidantly and securely attached women across adulthood: a 31-year longitudinal perspective. *Journal of personality and social psychology, 74*(1), 211.
- Loas, Gwenolé., Cormier, Julie., Perez-Diaz, Fernando. (2011). Dependent personality disorder and physical abuse. *Psychiatry Research, 185*, 167-170.
- Luis, S. M., Christian, M., Daniel, H., Shirish, B., & Graig, J. C. (2003). Diagnosis and treatment of alcoholic liver disease and its complication. *Alc Res Health vol 27 no, 3*, 247-256.
- Marchand, A. (2004). Travail et santé mentale: une perspective multi-niveaux des déterminants de la détresse psychologique.
- Mike, A., King, H., Oltmanns, T. F., & Jackson, J. J. (2018). Obsessive, compulsive, and conscientious? The relationship between OCPD and personality traits. *Journal of personality, 86*(6), 952-972.
- Mollazadeh, J. (2002). *The relationship between marital adjustment with personality factors and coping style in control children* (Doctoral dissertation, dissertation). [Tehran]: Tarbiat Modarres University. 2002. 188 p. Persian).
- Samuel, D. B., Riddell, A. D., Lynam, D. R., Miller, J. D., & Widiger, T. A. (2012). A five-factor measure of obsessive-compulsive personality traits. *Journal of Personality Assessment, 94*(5), 456-465.
- Schumacher, J. A., Feldvau-Kohn, S., Slep, A. M., & Heyman, R. E. (2001). Risk Factors for Male-to-female Partner Physical Abuse. *Aggression and Violent Behavior, 6*, 281-352.
- Simpson, J. A., Rholes, W. S., Nelling, G. S. (1998). *Attachment theory and close relationships*. New York: Guilford Press.

The study of the relationship between personality traits, attachment styles and cluster C clinical patterns of personality

*Somayeh Piri*¹

javad sahebi kuzeh kanan^۲

Abstract

Introduction: The purpose of the present study was to examine the relationship between personality traits, attachment style and clinical patterns of cluster C personality among spouse abuser men of Tabriz city. **Method:** In this study, the sample (N=100) was chosen through accessible sampling procedure from the population of spouse abuser men in Tabriz city. The subjects completed NEO personality Inventory (NEO-FFI), the MCMI-III and Attachment Styles Questionnaire. The gathered data was analyzed by SPSS17 and through the descriptive statistic index and the pierson correlation. The findings of study showed that: There is meaningful relationship between openness experience factor of personality and obsessive clinical pattern of personality. There also meaningful relationship between openness experience, agreeableness, extraversion factors of personality and all of clinical patterns of cluster C personality and there is a meaningful relationship between conscientiousneis factor of personality and avoidance and obsessive clinical patterns of personality. There is meaningful relationship between avoidance attachment style and avoidance and obsessive clinical patterns of personality. There is meaningful between ambivalent attachment style and avoidance clinical patterns of personality. It can be concluded that there is a significant relationship between factors of personality, attachment styles and cluster C clinical patterns of personality among spouse abuser men of Tabriz city. **Conflict of interest:** According to the authors of the present article, there was no conflict interest

Keywords: attachment styles , clinical patterns of personality, personality traits

1 PhD of Educational Psychology, Islamic Azad University, Tabriz Branch, Tabriz, Iran

2 PhD of Educational Psychology, Islamic Azad University, Tabriz Branch, Tabriz, Iran.

(Corresponding Author). j_sahebi@iaushab.ac.ir. 09143710522